

وجوه تضعیف و تصحیح اسناد زیارت عاشورا

محمد حسن محمدی مظفر*

چکیده

دو منبع اصلی زیارت عاشورا عبارت‌اند از: کامل‌الزیارات ابن‌قولویه و مصباح‌المتجهّد شیخ طوسی. نوشته حاضر به بررسی اسناد این زیارت در این دو منبع می‌پردازد و وجوه تضعیف و تصحیح آنها را آشکار می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که سند سوم شیخ طوسی در مصباح‌المتجهّد (روایت صفوان) اصح طرق روایت این زیارت است و طرق دیگر هرچند خالی از ضعف نیستند، ولی می‌توانند این طریق را تأیید و تقویت کنند. کلید واژه‌ها: زیارت عاشورا، اسناد حدیث، ضعف سند، تصحیح سند.

زیارت عاشورا از معروف‌ترین و پرخواننده‌ترین زیارات منقول در کتاب‌های ادعیه و زیارت است. این زیارت در کتاب‌های کامل‌الزیارات ابن‌قولویه، مصباح‌المتجهّد شیخ طوسی، مصباح‌الزائر سید بن طاووس، المصباح و البلد‌الامین هر دو از کفعمی و بحارالانوار مجلسی نقل شده است و درباره آن کتاب‌ها و مقالات گوناگونی نوشته شده است.^۱ منابع اصلی این زیارت کامل‌الزیارات ابن‌قولویه و مصباح‌المتجهّد شیخ طوسی است و منابع دیگر از این دو منبع نقل کرده‌اند. البته نقل‌های این دو منبع تفاوت‌هایی با هم دارند؛ همچنان که سند‌هایشان نیز متفاوت است. ما در این مقاله درصدد بررسی اسناد این زیارت و ذکر وجوه تضعیف و تصحیح سندی آن هستیم و به تفاوت‌های متنی آن نمی‌پردازیم.

در خصوص پیشینه این بحث، دو منبع درخور ذکرند: ۱. بحث مربوط به سند زیارت عاشورا در ابتدای کتاب شفاء‌الصدور فی شرح زیارة‌العاشور، حاج میرزا ابوالفضل تهرانی، ۲. مقاله «بررسی اسناد زیارت عاشورا»، آیه‌الله جعفر سبحانی، چاپ شده در سیمای فرزندگان ج ۲، ص ۴۹۵ - ۵۰۶.

* عضو هیئت علمی مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

۱. ر.ک: «کتاب‌شناسی زیارت عاشورا»، فصلنامه علوم حدیث، ش ۲۳، ص ۱۶۵ - ۱۸۱.

در این بررسی ابتدا به سند منقول در کامل الزیارات و سپس به سند منقول در مصباح المتعجل می‌پردازیم. این قولویه سند خود را چنین ذکر کرده است:

حدثني حكيم بن داود بن حكيم و غيره، عن محمد بن موسى الهمداني، عن محمد بن خالد الطيالسي، عن سيف بن عميرة و صالح بن عقبه، جميعاً، عن علقمة بن محمد الحضرمي، و محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبه، عن مالك الجهني، عن أبي جعفر الباقر عليه السلام.

ابن قولویه در ابتدای این کتاب شهادت داده که احادیث آن را از ائمه معصوم نقل می‌کند؛ آن هم به مقداری که از طرف ثقات از اصحاب ما به او رسیده است، و از افراد شاذ - که شهرتی به روایت ندارند - نقل نمی‌کند. اگر این شهادت شامل همه افراد مذکور در سند، اعم از مشایخ بی‌واسطه و غیرشان باشد، چنان که آقای خویی رحمته الله در اوایل به همین رأی مایل بودند،^۲ در این صورت، وثاقت این سند احراز می‌شود و نیازی به بررسی وثاقت تک تک افراد آن نیست، ولی اگر این شهادت مخصوص مشایخ بی‌واسطه ابن قولویه باشد و شامل مشایخ با واسطه او نشود، چنان که تحقیقات اخیر حاکی از آن است^۳ و رأی اخیر آقای خویی نیز همین بوده،^۴ برای حکم به وثاقت آن باید تک‌تکشان را بررسی کنیم. بنابراین می‌گوییم:

در سند مذکور، در سه مورد، واو عطف آمده است. می‌دانیم که آوردن واو عطف در سند مقتضای تعدد آن است. پس سند مذکور خود به چندین شاخه قابل تحلیل است و نمودار آن، به تفکیک، چنین است:

۱. حکیم بن داود بن حکیم - محمد بن موسی الهمدانی - محمد بن خالد الطیالسی - سیف بن عمیره - علقمة بن محمد - ابی جعفر عليه السلام.
۲. حکیم بن داود بن حکیم - محمد بن موسی الهمدانی - محمد بن خالد الطیالسی - صالح بن عقبه - علقمة بن محمد - ابی جعفر عليه السلام.
۳. حکیم بن داود بن حکیم - محمد بن موسی الهمدانی - محمد بن اسماعیل - صالح بن عقبه - مالک الجهنی - ابی جعفر عليه السلام.
۴. غیره - محمد بن موسی الهمدانی - محمد بن خالد الطیالسی - سیف بن عمیره - علقمة بن محمد - ابی جعفر عليه السلام.
۵. غیره - محمد بن موسی الهمدانی - محمد بن خالد الطیالسی - صالح بن عقبه - علقمة بن محمد - ابی جعفر عليه السلام.
۶. غیره - محمد بن موسی الهمدانی - محمد بن اسماعیل - سیف بن عمیره - مالک الجهنی -

۲. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۱، ص ۳۲۲؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۵۰.

۳. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۱، ص ۳۲۳؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۳۰۱.

۴. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۱، ص ۳۲۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، مقدمه کتاب، صفحه ف.

در نمودار فوق، سند مذکور به شش شاخه تقسیم شده است و این در صورتی است که مراد ابن قولویه از «غیره» تنها یک نفر دیگر از مشایخش (غیر از حکیم بن داود) باشد، ولی اگر مراد وی از «غیره» بیش از یک نفر باشد (با توجه به این که مشایخ بی واسطه ابن قولویه بیش از سی نفر شمرده شده‌اند)^۵ شاخه‌های این سند به بیش از این شش شاخه (یعنی ۹، ۱۲، ۱۵ و دیگر اعداد مضرب ۳) قابل افزایش است. در هر حال، بین ابن قولویه تا امام باقر علیه السلام پنج واسطه قرار گرفته‌اند که طبقه اخیر آنها - که مشایخ بی واسطه اویند - نیازی به بررسی ندارند؛ زیرا خود در مقدمه کتابش آنها را توثیق کرده است. بنابراین، باید افراد دیگر واقع در این سند بررسی شوند که عبارت‌اند از: ۱. سیف بن عمیره، ۲. صالح بن عقبه، ۳. علقمة بن محمد الحضرمی، ۴. مالک الجهنی، ۵. محمد بن اسماعیل، ۶. محمد بن خالد الطیالسی، ۷. محمد بن موسی الهمدانی.

۱. سیف بن عمیره

شیخ طوسی در رجال خود در اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام از او نام برده^۶ و در الفهرست درباره‌اش گفته:

ثقة كوفي نخعي عربي له كتاب.

نجاشی نیز علاوه بر توصیفات مذکور، درباره وی گفته است:

له كتاب يرويه جماعات من اصحابنا.^۷

از این عبارت می‌توان اعتبار کتاب او را نزد اصحاب ما را استفاده کرد.

علاوه بر تصریحات مذکور درباره وی، وثاقت او را می‌توان در ضمن برخی توثیقات عام دیگر نیز یافت که عبارت‌اند از: ۱. وی از جمله مستثنا منه از رجال کتاب نوادر الحکمة است؛^۸ ۲. وی از قسم اول از رجال کتاب تفسیر قمی است^۹ (البته از رجال قسم دوم نیز هست^{۱۰})؛ ۳. وی از جمله رجال کتاب المزار ابن المشهدی است؛^{۱۱} ۴. وی از جمله رجالی است که مشایخ ثقات از او روایت کرده‌اند.^{۱۲} علاوه بر اینها وی از کسانی است که کتابشان مشهور بوده است^{۱۳} و نیز از اجلایی به شمار

۵. کامل الزیارات، ص ۹-۱۳؛ اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۱، ص ۶-۳۲۴؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۶-۳۰۴.

۶. رجال الطوسی، ص ۲۱۵ و ۳۵۱.

۷. رجال النجاشی، ص ۵۰۴.

۸. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۱، ص ۲۲۴.

۹. همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۱۰. همان، ج ۱، ص ۳۰۲.

۱۱. همان، ج ۱، ص ۳۵۴.

۱۲. همان، ج ۲، ص ۱۹۵.

۱۳. همان، ج ۱، ص ۱۳۷.

می‌رود که روایتش از کس دیگر دلیلی بر وثاقت او می‌شود^{۱۴} و این رتبه فوق وثاقت است.

۲. صالح بن عقبه

این نام میان دو نفر مشترک است: ۱. صالح بن عقبه بن خالد، ۲. صالح بن عقبه بن قیس بن سمعان بن ابی‌ریحه مولی رسول الله ﷺ. شیخ در الفهرست درباره هر یک از این دو گفته است: «له کتاب». نجاشی هم درباره اولی گفته است: «له کتاب» و درباره دومی گفته است: «قیل انه روی عن ابی عبدالله ع». جمله اخیر مشعر به تردید نجاشی در این قول است.

ابن غضایری درباره دومی گفته است: «روی عن ابی عبدالله ع»، غال کذاب لایلتفت الیه^{۱۵}. شیخ در رجال خود نام وی را در اصحاب امام باقر و امام صادق و امام کاظم ع ذکر کرده است^{۱۶} و در مورد دوم نام وی را کامل‌تر ذکر کرده است: «صالح بن عقبه بن قیس بن سمعان مولی رسول الله ﷺ» و در مورد سوم گفته «من اصحاب ابی عبدالله ع». محققان معاصر نیز با نقل اقوال درباره وی و بررسی آنها به دو نتیجه‌گیری مخالف هم درباره او رسیده‌اند.^{۱۷}

اگرچه درباره وی توثیق خاصی وارد نشده، ولی توثیق‌های عام شامل وی عبارت‌اند از: ۱. وی از رجال قسم اول تفسیر قمی است؛^{۱۸} ۲. وی از رجال کتاب المزار ابن‌المشهدی است.^{۱۹} همچنین وی از کسانی است که کتابش مشهور بوده است.^{۲۰} به علاوه، چنان‌که خواهد آمد، محمد بن اسماعیل بن بزیع از اجلای اصحاب ماست و روایت او را از صالح بن عقبه می‌توان مدح وی به حساب آورد. البته اشکال اینجاست که، چنان‌که گفتیم، صالح بن عقبه مشترک بین دو نفر است و از قضا محمد بن اسماعیل بن بزیع، بنا بر گفته، نجاشی در طریق هر دو نفر واقع شده است، ولی بنا بر قراینی شاید بتوان گفت که مراد از وی صالح بن عقبه بن قیس است؛ زیرا از سویی، چنان‌که خواهیم گفت، سند زیارت عاشورا در مصباح‌المتبجد شیخ چنین است:

روی محمد بن اسماعیل بن بزیع عن صالح بن عقبه عن ایبه.

در رجال شیخ در ضمن اصحاب امام صادق ع آمده است:

عقبه بن قیس والد صالح بن عقبه.

پس معلوم می‌شود پدر صالح بن عقبه، عقبه بن قیس بوده است. از سوی دیگر، محمد بن اسماعیل بن بزیع بی واسطه از صالح بن عقبه روایت کرده و در کامل‌الزیارات روایات زیادی از این

۱۴. همان، ج ۲، ص ۴۳۹.

۱۵. رجال ابن‌غضایری، ص ۶۹.

۱۶. رجال الطوسی، ص ۱۲۶، ۲۲۱ و ۳۵۲.

۱۷. ر. ک: معجم رجال‌الحديث، ج ۱۰، ص ۸۵؛ قاموس الرجال، ج ۵، ص ۴۶۶-۴۶۷.

۱۸. اصول علم الرجال بین النظرية و تطبیق، ج ۱، ص ۲۸۲.

۱۹. همان، ج ۱، ص ۳۵۴.

۲۰. همان، ج ۱، ص ۱۴۴.

دو نقل شده است. بنابر گفته نجاشی، محمد بن اسماعیل، کتاب، صالح بن عقبه بن قیس را بی واسطه روایت کرده است؛ در حالی که در مورد صالح بن عقبه بن خالد، محمد بن اسماعیل با واسطه محمد بن ایوب، از او روایت کرده است. با این حال، اگر با این قراین هم بگوییم که مراد از وی صالح بن عقبه بن قیس است، هر چند روایت محمد بن اسماعیل از او نوعی مدح به شمار می‌رود، ولی به دلیل اشتراک صالح بن عقبه، دو توثیق عام یاد شده را نمی‌توان در مورد وی صادق دانست، زیرا محتمل است که صالح بن عقبه مذکور در آن دو توثیق، صالح بن عقبه بن خالد باشد. البته توثیق نداشتن صالح بن عقبه به سند مذکور در کامل الزیارات ضرری نمی‌زند؛ زیرا از وی و از سیف بن عمیره در یک رتبه نقل شده و اگر صالح هم ثقه نباشد، سیف بن عمیره ثقه است و صحت سند از جهت او تمام است.

۳. علقمة بن محمد حضرمی

شیخ طوسی در رجال از وی در اصحاب امام باقر^ع نام برده و گفته است: «اخو ابی بکر الحضرمی»^{۲۱} و در اصحاب امام صادق^ع گفته: «علقمة بن محمد الحضرمی الکوفی اسند عنه»^{۲۲}. درباره وی توثیق خاص یا عامی وارد نشده، جز این‌که کشی قضیه‌ای را مربوط به احتجاج این دو برادر با زید بن علی، نقل کرده است که از آن می‌توان حسن اعتقاد این دو را نتیجه گرفت.^{۲۳}

۴. مالک جهنی

شیخ طوسی در رجال از وی در اصحاب امام باقر^ع و امام صادق^ع نام برده و در مورد دوم گفته است:

مالك بن اعين الجهني الكوفي مات في حياة أبي عبد الله^ع.^{۲۴}

درباره وی توثیق خاصی وارد نشده است، لکن وی از جمله رجالی است که مشایخ ثقات از او روایت کرده‌اند.^{۲۵} از این جهت داخل در این توثیق عام است، همچنین وی حدیثی را از امام باقر^ع درباره ثواب زیارت قبر حسین^ع برای محمد بن مصادف نقل کرده است و محمد بن مصادف پس از مرگ او آن حدیث را برای امام صادق^ع نقل می‌کند و امام^ع او را تأیید می‌کند.^{۲۶} و از این نقل و تأیید می‌توان صدق گفتار مالک جهنی را به دست آورد. علاوه بر این شیخ مفید در ارشاد شعری را از

۲۱. رجال الطوسی، ص ۱۳۹.

۲۲. همان، ص ۲۶۲.

۲۳. اختیار معرفة الرجال، ش ۷۸۸.

۲۴. رجال الطوسی، ص ۱۳۵ و ۳۰۸.

۲۵. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۲، ص ۲۰۷.

۲۶. کامل الزیارات، ح ۵۰۲ و ۶۰۹.

وی درباره امام باقر^{علیه السلام} نقل کرده است که حاکی از معرفت خاص او نسبت به مقام اهل بیت است.^{۲۷}
در معجم رجال الحديث نیز روایاتی که حاکی از مدح وی است، نقل شده است.^{۲۸}

۵. محمد بن اسماعیل

این نام از نام‌هایی است که مصادیق فراوانی دارد.^{۲۹} لکن مراد از محمد بن اسماعیل در سند مورد بحث ما محمد بن اسماعیل بن بزیع است، زیرا از وی و از راویش، صالح بن عقبه، در همین کامل الزیارات احادیث فراوانی نقل شده است.^{۳۰} که در تعدادی از آنها به نام کامل وی تصریح شده است؛ از جمله احادیث ۲۵۵، ۲۷۸، ۲۸۳، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۲۱، ۳۳۹، ۳۴۲ و ۳۴۳. در اصول الکافی^{۳۱} و من لایحضره الفقیه^{۳۲} نیز نام وی و نام راویش در کنار هم آمده است. همچنین شیخ طوسی در مصباح ذکر سند زیارت عاشورا به نام کامل وی تصریح کرده و گفته است:

محمد بن اسماعیل بن بزیع عن صالح بن عقبه.^{۳۳}

شیخ طوسی وی را در اصحاب امام کاظم^{علیه السلام} و امام رضا^{علیه السلام} و امام جواد^{علیه السلام} ذکر کرده است.^{۳۴} و در مورد دوم درباره‌اش گفته «ثقة صحيح كوفي مولى المنصور» و در مورد سوم گفته است: «من اصحاب الرضا». در الفهرست نیز از وی و کتاب‌هایش یاد کرده و سند خود را به آنها ذکر کرده است.^{۳۵} نجاشی پس از نام بردن از او درباره‌اش گفته است:

ابوجعفر مولى المنصور ابى جعفر... كان من صالحى هذه الطائفة و ثقاتهم، كثير العمل له كتب.

نجاشی همچنین روایتی را نقل می‌کند که بنابر آن، جماعتی از اصحاب نزد امام رضا^{علیه السلام} بودند و نام محمد بن اسماعیل بن بزیع به میان می‌آید و حضرت رضا^{علیه السلام} می‌فرمایند: «وددت ان فيكم مثله». این جمله حاکی از مقام وی نزد آن حضرت است.^{۳۶} کشی روایتی را نقل کرده که در آن محمد بن اسماعیل بن بزیع از اباجعفر (امام جواد^{علیه السلام}) می‌خواهد که پیراهنی از پیراهن‌های خود را برایش بفرستد تا آن را کفن خود قرار دهد و حضرت چنین می‌کند.^{۳۷} و این قضیه از منزلت و جلالت قدر او نزد امام^{علیه السلام} و ولای خاص وی به امام^{علیه السلام} حکایت دارد. همچنین در روایت دیگری - که کشی نقل

۲۷. الاشارة، ج ۲، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۱۶۴.

۲۸. معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۱۶۲-۱۶۴.

۲۹. همان، ج ۱۶، ص ۸۹-۱۱۹؛ قاموس الرجال، ج ۹، ص ۱۰۸-۱۲۳.

۳۰. ر. ک: نمایه کامل الزیارات، ص ۵۷۷ و ۵۸۹.

۳۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۳۶، ح ۲.

۳۲. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۰۸، ح ۳۶۴.

۳۳. مصباح المنهج، ص ۵۳۶.

۳۴. رجال الطوسی، ص ۳۶۰، ۳۸۶ و ۴۰۵.

۳۵. الفهرست، ش ۶۰۵ و ۷۰۶.

۳۶. رجال النجاشی، ش ۸۹۳.

۳۷. اختیار معرفة الرجال، ح ۴۵۰ و ۱۰۶۵.

کرده - محمد بن علی بن بلال از محمد بن احمد بن یحیی می‌خواهد که او را به زیارت قبر محمد بن اسماعیل بن بزیع ببرد.^{۳۸} این قضیه نیز از مدح و منزلت او نزد بزرگان از اصحاب ما حکایت دارد. این قضیه در کامل الزیارات ابن قولویه (ش ۸۰۸ و ۸۰۹) آمده است.

علاوه بر اینها وی در توثیقات عام هم قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: ۱. وی از جمله رجال مستثنا منه کتاب نوادرالحکمه است؛^{۳۹} ۲. وی از جمله رجال کتاب المزار ابن المشهدی است.^{۴۰}

۶. محمد بن خالد طایلسی

شیخ طوسی از وی در اصحاب امام کاظم علیه السلام نام برده است^{۴۱} و در «من لم یرو عن الائمة» نیز در دوجا از او نام برده است. در مورد اول گفته است: «روی عنه علی بن الحسن بن فضال و سعد بن عبدالله» و در مورد دوم گفته است: «یکنی اباعبدالله روی عنه حمید اصولاً کثیره» و سپس سال وفات (۲۵۹ق) و سن وفات (۹۷) او را ذکر کرده است^{۴۲} و در الفهرست گفته است: «له کتاب». سپس سندش را به آن ذکر کرده است.^{۴۳} نجاشی از وی به عنوان «محمد بن خالد بن عمر الطایلسی التمیمی ابوعبدالله» یاد کرده و گفته است: «کان یسکن بالکوفه فی صحراء جرم، له کتاب نوادر». سپس تاریخ و سن وفات او را ذکر کرده است.^{۴۴}

درباره وی تصریحی به توثیق نشده، ولی او از افراد مستثنا منه کتاب نوادرالحکمه است.^{۴۵} به علاوه، وی از روایان کتاب علاء بن رزین است. این کتاب چهار نسخه داشته که راوی یکی از نسخه‌ها محمد بن خالد طایلسی است و طرق هر چهار نسخه معتبر است.^{۴۶} بنابراین، قرار گرفتن او در طریق معتبر را می‌توان نوعی مدح به حساب آورد، به ویژه که وی در طریق شیخ صدوق قرار گرفته و علامه مجلسی بنا به نقل وحید بهبهانی، آن را موجب مدح می‌دانسته است.^{۴۷} همچنین از

۳۸. همان، ج ۱، ص ۱۰۶۶.

۳۹. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۱، ص ۲۳۶.

۴۰. همان، ج ۱، ص ۳۵۷.

۴۱. رجال الطوسی، ص ۳۶۰.

۴۲. همان، ص ۴۹۳ و ۴۹۹.

۴۳. الفهرست، ش ۴۶۸.

۴۴. رجال النجاشی، ش ۹۱۰.

۴۵. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۱، ص ۲۳۶؛ البته در اینجا تنها محمد بن خالد آمده، ولی به قرینه روایتش از سیف بن عمیره (تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۷۱۹) می‌توان گفت که وی محمد بن خالد طایلسی است، چنان که در روایت دیگری وی بالقب تمیمی ذکر شده و از سیف بن عمیره روایت کرده (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۸۵۱ الاستبصار، ج ۱، ص ۱۷۲۰) و تمیمی همان طایلسی است (ر. ک. به معجم رجال الحديث، ج ۱۷ ص ۷۵-۷۶)، به علاوه، کتاب سیف بن عمیره را نجاشی از طریق محمد بن خالد طایلسی روایت کرده است (رجال النجاشی، ش ۵۰۴). بنابراین، می‌توان گفت «محمد بن خالد» و «محمد بن خالد تمیمی» و «محمد بن خالد طایلسی» - که از سیف بن عمیره روایت کرده‌اند (معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۳۸۵) - همگی یک نفرند.

۴۶. همان، ج ۱، ص ۵۲۵؛ ج ۲، ص ۵۴؛ الفهرست، ش ۴۹۹؛ مشیخة الفقیه (چاپ شده در آخر مجلد چهارم من لایحضره الفقیه)، ص ۵۸.

۴۷. فوائد وحید (چاپ شده در پایان رجال خاقانی)، ص ۵۴.

این گفته شیخ طوسی که «روی عنه حمید اصولاً کثیره» معلوم می‌شود که طایلسی بسیاری از اصول را روایت می‌کرده است. شاید همین نکته نیز مدح او به شمار رود.

۷. محمد بن موسی همدانی

شیخ طوسی در رجال و الفهرست خود وی را عنوان نکرده، ولی نجاشی درباره‌اش گفته است: محمد بن موسی بن عیسی ابوجعفر الهمدانی السمان، ضعفه القمیون بالغلو و کان ابن الولید یقول: انه کان یضع الحدیث، والله اعلم.

سپس کتاب‌های او و طریق خود به آنها را ذکر کرده است^{۴۸} و در ترجمه محمد بن احمد بن یحیی آورده است:

و کان محمد بن الحسن بن الولید یستثنی من روایة محمد بن احمد بن یحیی مارواه عن محمد بن موسی الهمدانی^{۴۹}

شیخ صدوق هم در من لایحضره الفقیه گفته است:

و اما خبر صلاة يوم غدیر خم و الثواب المذكور فیه لمن صامه فان شیخنا محمد بن الحسن رضی الله عنه کان لا یصححه و یقول انه من طریق محمد بن موسی الهمدانی و کان غیر ثقة، و کل ما لم یصححه ذلك الشیخ قدس الله روحه و لم یحکم بصحته من الاخبار فهو عندنا متروک غیر صحیح.^{۵۰}

شیخ طوسی نیز در الفهرست از قول صدوق نقل می‌کند که وی احادیثی از کتاب منتخبات سعد بن عبدالله قمی را - که روایش محمد بن موسی همدانی بوده - علامت می‌گذاشته [و آنها را روایت نمی‌کرده است].^{۵۱} همچنین در مورد کتاب نوادر الحکمة از ابوجعفر ابن بابویه روایاتش را نقل می‌کند و سپس می‌افزاید که ابوجعفر ابن بابویه گفته است:

الا ما کان فیها من غلو او تخلیط و هو الذی یکون طریقہ محمد بن موسی الهمدانی^{۵۲}
علاوه بر اینها ابن ولید کتاب زید زراد و زید نرسی و خالد بن عبدالله بن سدیر را نیز از کتاب‌های جعل شده توسط محمد بن موسی همدانی می‌دانسته است و آنها را روایت نمی‌کرده است.^{۵۳}
از سوی دیگر، ابن غضایری از ابوجعفر ابن بابویه (شیخ صدوق) نقل کرده که وی کتاب زید زراد و زید نرسی را از جعلیات محمد بن موسی سمان (همدانی) می‌دانسته است. سپس ابن غضایری - که خود به طعن و طرد افراد به کمترین اتهامی، شهره است - ابوجعفر را در این قول تخطئه کرده

۴۸. رجال النجاشی، ش ۹۰۴.

۴۹. همان، ش ۹۳۹.

۵۰. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۵، ح ۲۴۱.

۵۱. الفهرست، ش ۳۱۶.

۵۲. همان، ش ۶۲۲.

۵۳. همان، ش ۳۰۰.

و می‌گوید: «من خود کتاب آن دو را دیده‌ام که از محمد بن ابی‌عمیر روایت شده است».^{۵۴} شیخ طوسی نیز گفته که کتاب زید نرسی را ابن‌ابی‌عمیر از او روایت کرده است.^{۵۵} سند نجاشی به کتاب زید زراد و زید نرسی نیز از طریق ابن‌ابی‌عمیر است.^{۵۶} و محمد بن موسی همدانی در آن قرار نگرفته است. اینها مؤید قول ابن‌غضائری است. چنان‌که دیدیم، نجاشی نیز پس از نقل قول ابن‌ولید - که درباره محمد بن موسی همدانی گفته بود: «انه کان یضع الحديث» - با آوردن «والله اعلم» تردید خود را در این نسبت اظهار کرده است.^{۵۷} شاید از این قرائن بتوان محمد بن موسی همدانی را از اتهام وضع حدیث مبرا دانست، و چنان‌که برخی محققان گفته‌اند، مطمئناً کتاب‌های زید زراد و زید نرسی از طریق صحیحی به ابن‌ولید نرسیده، بلکه در طریق آنها محمد بن موسی همدانی قرار داشته و لذا ابن‌ولید آنها را از جعلیات وی دانسته است. این اشکال بر ابن‌ولید وارد است که هر چند همدانی ضعیف بوده، ولی این لزوماً به معنای جعل کتاب از سوی وی نیست.^{۵۸}

در هر حال، ظاهراً اصل در تضعیف محمد بن موسی همدانی، ابن‌ولید بوده است و ابوالعباس ابن‌نوح نیز کار وی را تصویب کرده و شیخ صدوق نیز از او تبعیت کرده است.^{۵۹} برخی از محققان تضعیف‌های ابن‌ولید را قابل اعتنا ندانسته و آنها را از سر حدس و اختلاف عقیده با مخالفانش دانسته و از شیخ مفید نیز مطالبی در قذح وی و اتهامش به تقصیر نقل کرده‌اند. و «والله اعلم» گفتن نجاشی را، بعد از نقل سخن ابن‌ولید، نشانه تردید نجاشی در آن دانسته‌اند.^{۶۰} لکن از سوی دیگر می‌بینیم که همین نجاشی در ترجمه ابن‌ولید گفته است:

محمد بن الحسن بن احمد بن الولید ابو جعفر شیخ القمیین و فقیههم و متقدمهم و وجههم و ... ثقة ثقة عین مسکون الیه.^{۶۱}

شیخ طوسی نیز درباره او گفته:

محمد بن الحسن بن الولید القمی، جلیل‌القدر، عارف بالرجال، موثق به.

این تعابیر را از این دو نفر - که چهار کتاب اصلی علم رجال مرهون خاتمه آنهاست - نمی‌توان دست‌کم گرفت. به علاوه، شیخ طوسی در مواردی که سخنان ابن‌ولید را درباره همدانی نقل کرده، آنها را نقد نکرده و ظاهراً موافق آنها بوده است. نجاشی هم هر چند که با آوردن «والله اعلم» در آن مورد، ظاهراً تردید خود را ابراز کرده، ولی در مورد دیگر که استثنائات ابن‌ولید از روایت محمد بن

^{۵۴}. رجال ابن‌غضائری، ص ۶۲.

^{۵۵}. الفهرست، ش ۳۰۰.

^{۵۶}. رجال النجاشی، ش ۴۶۰ و ۴۶۱.

^{۵۷}. همان، ش ۹۰۴.

^{۵۸}. معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۳۷۹.

^{۵۹}. رجال النجاشی، ش ۹۳۹.

^{۶۰}. میمای فرزندگان، ج ۲، ص ۵۰۴.

^{۶۱}. رجال النجاشی، ش ۱۰۴۲.

احمد بن یحیی را ذکر کرده، اظهار نظری نکرده و ظاهراً با این استثناء موافق بوده است.^{۶۲} در هر حال، اصل آن است که شهادت رجالی‌ها از روی حس است، نه از روی حدس و اجتهاد^{۶۳} (مگر این که در موردی ثابت شود که سخن رجالی از روی حدس و اجتهاد خودش بوده است) و این که بگوییم سخن ابن ولید از روی حدس و مبنای اعتقادی‌ای بوده که وی بدان قایل بوده، صرفاً یک احتمال است و صد در صد نمی‌توان گفت که اتهام وی به محمد بن موسی همدانی از سر حدس بوده است، بویژه آن که شیخ طوسی و نجاشی وی را به «عارف بالرجال، موثق به و مسکون الیه» توصیف کرده‌اند. به علاوه، چنان که دیدیم، خود ابن غضائری - که وی نیز همانند ابن ولید متهم به تضعیف افراد از روی حدس شده -^{۶۴} در مورد کتاب‌های زید زراد و زید نرسی به استناد رؤیت خود، ابن ولید را تخطئه کرده بود و از همین جا معلوم می‌شود که قضاوت او صرفاً از سر حدس و تخمین نیست، بلکه به آن چه دیده است، اعتماد کرده است.

از آنچه تاکنون گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که محمد بن موسی همدانی آدم ضعیفی است. ابن غضائری نیز او را ضعیف دانسته و گفته که از ضعفاً روایت می‌کرد، و می‌توان روایت او را به عنوان شاهد و مؤید آورد.^{۶۵} بنابراین ابن غضائری نیز هر چند در مورد کتاب‌های زید زراد و زید نرسی با ابن ولید هم عقیده نیست، ولی در تضعیف محمد بن موسی همدانی با وی هم عقیده است و لذا است که به گفته محقق شوشتری، وی «متفق الضعف» است و در ضعیف بودنش اشکالی نیست.^{۶۶} به هر حال، اگر به تضعیف‌های ابن ولید و ابن غضائری هم اعتنا نکنیم، دست‌کم توثیقی درباره وی وارد نشده ولو به نحو توثیق عام، و وقوع وی در اسناد کامل الزیارات نیز دلیل بر توثیقش نمی‌شود، زیرا بنابر تحقیقات اخیر توثیق ابن قولویه تنها شامل مشایخ بی واسطه‌اش می‌شود و تازه اگر شامل مشایخ با واسطه هم بشود و محمد بن موسی داخل این توثیق شود، این توثیق عام با تضعیف‌های دیگری که تاکنون نقل کردیم معارضه کرده و وی مجهول الحال می‌شود.^{۶۷}

عطف محمد بن اسماعیل در سند کامل الزیارات

چنان‌که در نمودار سابق (شاخه ۳ و ۶) نشان داده شد، ظاهر آن است که محمد بن اسماعیل در سند کامل الزیارات بر محمد بن خالد طایلسی عطف شده است؛ زیرا هر یک از این دو با دو واسطه از امام باقر^ع روایت کرده‌اند و لذا هم طبقه محسوب می‌شوند. بنابراین محمد بن موسی همدانی در طریق نقل از محمد بن اسماعیل نیز واقع می‌شود و ضعف او به این طریق نیز سرایت کرده و

۶۲. همان، ش ۹۳۹.

۶۳. اصول علم الرجال بین نظریه و تطبیق، ج ۱، ص ۳۵-۳۹.

۶۴. سمای فرزندگان، ج ۲، ص ۴۹۸.

۶۵. رجال ابن غضائری، ص ۹۵.

۶۶. قاموس الرجال، ج ۵، ش ۳۶۳۳ و ج ۹، ش ۷۳۱۳ و ۷۳۲۰.

۶۷. معجم رجال الحديث، (الطبعة الثالثة) ج ۱۷، ش ۱۱۸۴۷.

هر شش شاخه سند مذکور مبتلا به ضعف می‌شوند.

احتمال دیگر آن است که محمد بن اسماعیل عطف بر صدر سند باشد؛ یعنی بر حکیم بن داود. در این صورت، واسطه بین ابن قولویه با محمد بن اسماعیل ذکر نشده است و احتمالاً ابن قولویه آن را از کتاب محمد بن اسماعیل نقل کرده است. آنچه موجب تقویت این احتمال می‌شود آن است که شیخ طوسی نیز در مصباح‌المتجهّد - چنان‌که خواهیم دید - زیارت عاشورا را از محمد بن اسماعیل نقل کرده و به دلیل فاصله زمانی شیخ تا محمد بن اسماعیل، معلوم می‌شود که شیخ از کتاب وی نقل کرده است. علاوه بر این، در تمامی مواردی که در سندهای کامل الزیارات نام محمد بن اسماعیل (بن بزیع) آمده، وسایط بین او و ابن قولویه کسانی غیر از حکیم بن داودند و در هیچ یک از مواردی که ابن قولویه از استادش حکیم بن داود نقل کرده، سند به محمد بن اسماعیل نمی‌رسد^{۶۸} و این مسأله باعث تقویت این احتمال می‌شود که بگوییم محمد بن اسماعیل بر صدر سند یعنی بر حکیم بن داود عطف شده نه بر محمد بن خالد طایلسی. بنابر این احتمال، شاخه‌های ۳ و ۶ از نمودار سابق باید به این صورت اصلاح شوند:

ابن قولویه - ... - محمد بن اسماعیل - صالح بن عقبه - مالک جهنی - ابی جعفر^{۶۹}.

بنابراین در این سند ظاهراً محمد بن موسی همدانی قرار نمی‌گیرد تا ضعفش به آن سرایت کند. ولی با استقصای همه مواردی که سند ابن قولویه در کامل الزیارات به محمد بن اسماعیل می‌رسد، می‌یابیم که همواره بین این دو، ۲ یا ۳ یا ۴ واسطه وجود دارد و اشکال احتمال اخیر آن است که وسایط بین ابن قولویه و محمد بن اسماعیل در آن ذکر نشده و معلوم نیستند؛ و اگر بگوییم که ابن قولویه از کتاب محمد بن اسماعیل روایت کرده، اشکالش آن است که در همه موارد دیگری که محمد بن اسماعیل در این کتاب ذکر شده، ابن قولویه سند خود را به وی کاملاً بیان کرده؛ و این مورد برخلاف شیوه وی در این کتاب است.

در هر حال اگر محمد بن اسماعیل عطف باشد بر محمد بن خالد طایلسی (که ظاهر هم همین است) در این صورت ضعف محمد بن موسی همدانی به همه شاخه‌های سند مذکور سرایت می‌کند و سند کامل الزیارات ضعیف می‌شود و اگر عطف باشد بر صدر سند یعنی بر حکیم بن داود، در این صورت شاخه منتهی به محمد بن اسماعیل معلق می‌شود و وسایط بین ابن قولویه و محمد بن اسماعیل معلوم نیستند و این برخلاف روش ابن قولویه در این کتاب است.

سند زیارت عاشورا در مصباح‌المتجهّد

شیخ طوسی در مصباح‌المتجهّد سند زیارت عاشورا را چنین نقل کرده است:

روی محمد بن اسماعیل بن بزیع عن صالح بن عقبه عن ابيه عن أبي جعفر^{۶۹}.

۶۸. این نتایج به کمک نمایه آخر کامل الزیارات ص ۵۷۳ و ۵۸۹ به دست آمده است.

۶۹. مصباح‌المتجهّد، ص ۵۳۶.

نحوه نقل شیخ حاکمی از آن است که وی این حدیث را از کتاب محمد بن اسماعیل بن بزیع روایت می‌کند و سند شیخ به محمد بن اسماعیل نیز بنابر بحثی که در پایان الفهرست شیخ آمده،^{۷۰} صحیح است و حال محمد بن اسماعیل بن بزیع و صالح بن عقبه نیز قبلاً ضمن بررسی سند کامل زیارات مشخص شد. در اینجا تنها به ذکر پدر صالح بن عقبه اکتفا می‌کنیم:

شیخ طوسی در رجال ضمن اصحاب امام باقر^{علیه السلام} از سه عقبه نام می‌برد: ۱. عقبه بن بشیر اسدی (ش ۲۹)، ۲. عقبه بن شعبه مکنی به ابا شیبه اسدی (ش ۳۰)، ۳. عقبه بن قیس که وی را مجهول دانسته است. (ش ۷۴).^{۷۱} و ضمن اصحاب امام صادق^{علیه السلام} از نه نفر به نام عقبه نام برده^{۷۲} که در مورد یکی از آنها می‌گوید: «عقبه بن قیس والد صالح بن عقبه کوفی» (ش ۶۲۶). اگر مراد از وی همان عقبه بن قیس مذکور در اصحاب امام باقر^{علیه السلام} باشد، پس کلام شیخ در این دو مورد با هم همخوانی ندارد، زیرا در مورد اول او را مجهول دانسته و در مورد دوم وی را پدر صالح بن عقبه معرفی کرده است، و اگر دومی غیر از اولی باشد، بنابراین لازم می‌آید که عقبه بن قیس - که پدر صالح بن عقبه بوده - و جزو اصحاب امام صادق^{علیه السلام} ذکر شده، از امام باقر^{علیه السلام} نیز روایت کرده باشد، زیرا سند زیارت عاشورا به امام باقر^{علیه السلام} می‌رسد، و یا این که واسطه بین او و امام باقر^{علیه السلام} از سند حذف شده باشد. البته احتمال دارد که مراد از «ابیه» در سند زیارت عاشورا هیچ یک از این دو نفر نباشد و عقبه دیگری مراد باشد. به هر حال، صرف نظر از تعیین وی، درباره عقبه‌های مذکور مدح و توثیق نیز وارد نشده، و تنها توثیق عام عقبه، وقوع وی در رجال مشایخ ثقات است^{۷۳} که آن هم البته به خاطر اشتراک عقبه سودی ندارد و وی مجهول می‌شود.

سند دوم شیخ

در کامل زیارات و مصباح المتعبد پس از نقل ثواب زیارت عاشورا و کیفیت سلام بر امام حسین^{علیه السلام} از راه دور - که البته نقل‌های هر دو کتاب در مجموع شبیه یکدیگرند - ولی در جزئیاتشان متفاوت‌اند، روایت چنین ادامه می‌یابد:

قال صالح بن عقبه^{۷۴} و سیف بن عمیره؛ قال علقمة بن محمد الحضرمی: فقلت لابی جعفر^{علیه السلام}

سپس متن زیارت عاشورا نقل شده است.

این قسمت در کامل زیارات می‌تواند ادامه روایت قبلی باشد؛ زیرا همه افراد مذکور در اینجا در ابتدای سند ذکر شده بودند، ولی در مصباح المتعبد در ابتدای سند صالح بن عقبه از پدرش روایت

۷۰. الفهرست (چاپ نشر الفقاهة)، ص ۳۲۶ و ۳۳۲.

۷۱. رجال الطوسی، ص ۱۲۹ و ۱۳۲.

۷۲. همان ص ۲۶۱ و ۲۶۶.

۷۳. اصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق، ج ۲، ص ۲۰۱.

۷۴. در کامل زیارات در اینجا صالح بن عقبه به «الجهنی» وصف شده است.

می‌کرد. بنابراین، این قسمت نمی‌تواند ادامه همان نقل قبلی باشد و ممکن است که شیخ طوسی این قسمت را از کتاب‌های صالح بن عقبه و سیف بن عمیره گرفته باشد. البته سند شیخ به کتاب‌های این دو، بنابر بحثی که در پایان الفهرست شیخ آمده،^{۷۵} صحیح است.

سند سوم شیخ یا روایت صفوان

در کامل الزیارات، پس از نقل متن زیارت و سفارش حضرت باقر^{علیه السلام} به علقمه در مورد خواندن هر روزه زیارت عاشورا، این روایت به پایان می‌رسد، ولی در مصباح المتعبد مطلب تمام نشده و چنین ادامه یافته است:

و روی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره قال: خرجت مع صفوان بن مهران الجمال

سپس دعای صفوان - که به اشتباه دعای علقمه نامیده شده (مثلاً در مصباح المتعبد ص ۵۴۰ - ۵۴۲) - نقل شده است.

ظاهراً شیخ طوسی این قسمت را از کتاب محمد بن خالد طیالسی نقل کرده است و سند شیخ به کتاب وی، بنابر بحثی که در پایان الفهرست آمده،^{۷۶} صحیح است. و اما صفوان بن مهران جمال:

شیخ در رجال در ضمن اصحاب امام صادق^{علیه السلام} از وی نام برده و گفته است: «ابو محمد الاسدی الکاهلی مولا هم کوفی»^{۷۷} و در الفهرست گفته است: «له کتاب»^{۷۸} و سند خود را به آن ذکر کرده است. نجاشی نیز از او نام برده و گفته است: «کوفی ثقه ... روی عن ابی عبدالله^{علیه السلام} ... له کتاب»^{۷۹}. کشی نیز روایتی از صفوان نقل کرده که قضیه آن مشهور است و بنابر آن، صفوان به اشاره حضرت کاظم^{علیه السلام} و به رغم خطری که از جانب هارون متوجه او می‌شده، شترهایش را فروخته است. این روایت مدح زیادی را درباره او دربردارد و از حسن اعتقاد او خبر می‌دهد. شیخ مفید نیز در الإرشاد وی را از جمله شیوخ اصحاب حضرت صادق^{علیه السلام} و خواص و ثقات فقهایی صالحین آن حضرت برشمرده که به امامت امام کاظم^{علیه السلام} تصریح کرده‌اند.^{۸۰} همچنین وی از کسانی است که کتابش مشهور بوده است.^{۸۱} توثیقات عام وی نیز عبارت‌اند از: ۱. وی از رجال کتاب المزار ابن مشهدی است؛^{۸۲}

۷۵. الفهرست (چاپ نشر الفقاهه)، ص ۳۰۹ و ۳۱۱.

۷۶. همان، ص ۳۲۸.

۷۷. رجال الطوسی، ص ۲۲۰.

۷۸. الفهرست، ش ۳۵۷.

۷۹. رجال النجاشی، ش ۵۲۵.

۸۰. الإرشاد، ج ۲، ص ۲۱۶.

۸۱. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۱، ص ۱۴۴.

۸۲. همان، ج ۱، ص ۳۵۴.

۲. وی از جمله رجال مشایخ ثقات است.^{۸۳}

بنابر این روایت، سیف بن عمیره نقل می‌کند که به همراه جماعتی از اصحاب با صفوان به زیارت غری (نجف) رفته و پس از فراغت از زیارت، صفوان رو به جانب کربلا کرده و همان زیارت منقول از علقمة بن محمد حضرمی از امام باقر^{علیه السلام} را خوانده و سپس دعای بعد از زیارت را خوانده است. سیف می‌گوید از صفوان پرسیدم که علقمة چنین دعایی را برای ما از امام باقر^{علیه السلام} نقل نکرد و فقط متن زیارت را برای ما نقل کرد و صفوان پاسخ می‌دهد که تمامی این اعمال را که انجام دادیم، از زیارت و دعا، حضرت صادق^{علیه السلام} نیز انجام داد.^{۸۴}

چنان‌که دیدیم، سندهای قبلی منقول از کامل الزیارات و مصباح المتهجد هیچ یک خالی از ضعف و اشکال نبود و در سند کامل الزیارات محمد بن موسی همدانی قرار داشت که فرد ضعیفی بود و در سند اول مصباح المتهجد نیز عقبه پدر صالح بن عقبه، قرار داشت که مجهول بود، ولی زوایت اخیر - که می‌توانیم آن را روایت صفوان بنامیم - به لحاظ افراد سند، مطمئن‌ترین روایت است و افراد آن، یعنی محمد بن خالد طلیاسی و سیف بن عمیره و صفوان بن مهران جمال، همگی ممدوح و ثقّه‌اند و چنان‌که دیدیم، در ضمن آن، روایت علقمة بن محمد نیز مورد تأیید قرار گرفته است و چنان‌که قبلاً نقل کردیم، ابن غضائری درباره محمد بن موسی همدانی گفته بود: «ضعیف یروی عن الضعفاء و يجوز ان يخرج شاهداً».^{۸۵} بنابراین، روایت منقول در کامل الزیارات را - که در سندش محمد بن موسی همدانی قرار گرفته - می‌توان به عنوان مؤید و شاهدی بر روایت صفوان گرفت.

تفکیک ثواب زیارت از متن زیارت

دیدیم که هم در کامل الزیارات و هم در مصباح المتهجد ثواب زیارت عاشورا و متن زیارت در دو قسمت و با نقل‌هایی جدا از هم ذکر شده‌اند. قبلاً هم دیدیم که ابن غضائری درباره صالح بن عقبه گفته بود: «غال کذاب لا یلتفت الیه»^{۸۶} و ابن ولید هم درباره محمد بن موسی همدانی گفته بود: «انه کان یضع الحدیث».^{۸۷} حدیث شناسان برای وضع حدیث نشانه‌هایی بر شمرده‌اند که یکی از آنها افراط در وعید بر امر صغیر یا افراط در وعده بر فعل حقیر است.^{۸۸} حال می‌توان گفت که شاید اتهام این دو نفر به کذب و وضع حدیث از جمله به خاطر نقل ثواب‌های اغراق‌آمیز، مانند ثواب زیارت عاشورا است که به قول برخی از محققان: «در شرح آن امور منکری دیده می‌شود».^{۸۹} البته محمد بن

۸۳. همان، ج ۲، ص ۱۹۶.

۸۴. مصباح المتهجد، ص ۵۳۹-۵۴۲.

۸۵. رجال ابن غضائری، ص ۹۵.

۸۶. رجال ابن غضائری، ص ۶۹.

۸۷. رجال النجاشی، ش ۹۰۴.

۸۸. مقیاس الهدایة فی علم الدراية، ج ۱، ص ۴۰۴؛ اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۱، ص ۴۳۸.

۸۹. قاموس الرجال، ج ۵، ص ۴۶۷ و ج ۹، ص ۶۱۶.

موسی همدانی در کامل الزیارات تنها در همین سند واقع شده، ولی صالح بن عقبه در سندهای متعددی قرار گرفته که در برخی دیگر از آنها نیز ثوابهای افراط‌آمیز بر کارهای کوچک وارد شده است؛ از جمله احادیث شماره ۲۸۷، ۳۹۷، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۳، ۴۰۶، ۴۰۷ و ۴۰۸.

با توجه به آن چه گفته شد، شاید بتوانیم ثواب مذکور در ابتدای زیارت را از متن زیارت تفکیک کرده و ضعف سندی را به ثواب مذکور در ابتدای زیارت برگردانیم و متن زیارت را عاری از ضعف سندی بدانیم؛ چنان که در نقل کامل الزیارات و مصباح المتهجد نیز بین این دو قسمت تفکیک شده است. بنابر این احتمال، ثواب مذکور در ابتدای زیارت مورد اعتماد نیست، ولی متن زیارت مورد اعتماد است؛ حتی در نقل‌هایی که صالح بن عقبه و محمد بن موسی همدانی در آنها قرار گرفته‌اند. البته باید توجه داشت که در خود متن زیارت نیز در کتاب‌های مختلف تفاوت‌هایی وجود دارد که بررسی آنها مجال دیگری می‌خواهد، از باب نمونه، سید بن طاووس پس از نقل زیارت عاشورا در مصباح الزائر می‌گوید:

ما این روایت را از المصباح الکبیر نقل کردیم که با خط مصنفش (شیخ طوسی) مقابله شده بود و در آن دو فقره‌ای که صد بار تکرار می‌شوند وجود نداشتند و ما آن دو فقره را از المصباح الصغیر نقل کرده‌ایم.^{۹۰}

وجوه تضعیف اسناد زیارت عاشورا

۱. اگر محمد بن اسماعیل در سند کامل الزیارات، عطف باشد بر محمد بن خالد طایلسی، محمد بن موسی همدانی در هر (دست‌کم) شش شاخه این سند واقع می‌شود و همه این شاخه‌ها با ضعف او ضعیف می‌شوند.

۲. اگر محمد بن اسماعیل در سند کامل الزیارات، عطف باشد بر ابتدای سند، یعنی حکیم بن داود، شاخه‌هایی که محمد بن موسی همدانی در آنها واقع شده، به واسطه او ضعیف‌اند، و شاخه‌هایی که وی در آنها واقع نشده، به خاطر معلوم نبودن واسطه بین ابن قولویه و محمد بن اسماعیل، معلق‌اند و قابل اعتماد نیستند.

۳. نخستین سند شیخ در مصباح المتهجد به خاطر اشتراک عقبه (پدر صالح بن عقبه) مجهول است.

وجوه تصحیح و تأیید اسناد زیارت عاشورا

۱. روایت اخیر شیخ در مصباح المتهجد، یعنی روایت صفوان موثق و قابل اعتماد است.
۲. دومین سند شیخ نیز اگر به نقل از کتاب‌های صالح بن عقبه و سیف بن عمیره باشد، قابل اعتماد است.

۹۰. مصباح الزائر، ص ۲۷۸؛ بحارالانوار (تحقیق محمود دریاب)، ج ۴۱، ص ۴۲۷.

۳. اگر مبنای ما پذیرش شهادت ابن قولویه در مورد همه مشایخش اعم از بی‌واسطه و باواسطه باشد، سند کامل الزیارات با همه شاخه‌هایش قابل اعتماد است.

۴. اگر مبنای ما پذیرش شهادت ابن قولویه در مورد مشایخ بی‌واسطه‌اش باشد، در این صورت هرچند سند کامل الزیارات به واسطه محمد بن موسی همدانی ضعیف می‌شود، ولی به گفته ابن غضایری این روایت را می‌توان شاهد و مؤید روایات صحیح و موثق (روایت دوم و سوم شیخ در مصباح المتهجد) قرار داد.

۵. با تفکیک ثواب زیارت از متن زیارت، شاید بتوان ضعف و اتهام صالح بن عقبه و محمد بن موسی همدانی را به نقل ثواب زیارت برگرداند، نه متن زیارت. بنابراین می‌توان گفت ثواب منقول توسط آنها مورد اعتماد نیست، ولی متن منقول زیارت از سوی آنها مورد قبول است؛ بویژه با توجه به این‌که این متن از طریق موثق دیگری، یعنی روایت صفوان به دست ما رسیده است.

ما در این مقاله با تکیه بر تحقیقات و دستاوردهای اخیر علم رجال درصدد بررسی اسناد زیارت عاشورا و تعیین وجوهی بودیم که به تضعیف یا تصحیح آنها منتهی می‌شود. البته این کار را کاری تمام شده تلقی نکرده و این راه را برای تحقیقات دیگر باز می‌دانیم و امیدواریم که این بررسی در این مسیر گامی به جلو برداشته باشد.

کتابنامه

- الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، مصنفات شیخ مفید، ج ۱۱، اول، ۱۴۱۳ق.
- الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، شیخ طوسی، تحقیق: سید حسن موسوی خراسانی، دارالکتب الاسلامیه، سوم، ۱۳۹۰ق.
- اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، شیخ طوسی، تحقیق: جواد قیومی، مؤسسه النشر الاسلامی، اول، ۱۴۲۷ق.
- اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، شیخ محمد علی صالح معلم، نشر مؤسسه المجتبین، ۲ جلد، اول، ۱۴۲۶ق.
- بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، تحقیق: شیخ محمود دریاب، ۴۴ جلد، ج ۴۱، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، اول، ۱۴۲۱ق.
- البلد الامین و الدرع الحصین، تقی الدین ابراهیم بن علی بن حسن بن محمد العاملی الکفعمی، قدّم له و علق علیه علاء الدین الاعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۱۸ق.
- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تصحیح: علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، اول، ۱۴۱۷ق.
- الرجال، ابن غضایری، تحقیق: سید محمد رضا حسینی جلالی، دارالحديث، اول، ۱۴۲۲ق.
- رجال الطوسی، شیخ طوسی، قم: منشورات الرضی.

- رجال النجاشی، ابوالعباس النجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- سیمای فرزانه، جعفر سبحانی، ج ۲، قم: مؤسسة امام صادق، اول، ۱۳۸۰.
- شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشوراء حاج میرزا ابوالفضل تهرانی، یا پاورقی سید ابراهیم شبیری، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۶.
- فصلنامه علمی - تخصصی علوم حدیث، ش ۲۳.
- الفهرست، شیخ طوسی، تحقیق: نشر الفقاهه، اول، ۱۴۱۷ق.
- قاموس الرجال، شیخ محمد تقی تستری، مؤسسة النشر الاسلامی، اول، ۱۴۱۹ق.
- الکافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، صحیح: علی اکبر غفاری، بیروت: دارصعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.
- کامل الزیارات، شیخ ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی، تحقیق: شیخ جواد قیومی، قم: نشر الفقاهه، سوم، ۱۴۲۴ق.
- کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، مؤسسة النشر الاسلامی، سوم، ۱۴۱۴ق.
- مصباح الزائر، رضی الدین سید علی بن موسی بن طاووس، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، اول، ۱۴۱۷ق.
- المصباح فی الادعية و الصلوات و الزیارات، تقی الدین ابراهیم بن علی بن الحسن بن محمد العاملی الکفعمی، تصحیح: شیخ حسین اعلمی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۴۲۴ق.
- مصباح المتبهد، شیخ طوسی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۱۸ق.
- معجم رجال الحديث، سید ابوالقاسم موسوی خویی، ۲۴ جلد، پنجم، ۱۴۱۳ و سوم، ۱۴۰۳ق (مجلد ۱۷).
- مقباس الهدایه فی علم الدراية، شیخ عبدالله مامقانی، تحقیق: شیخ محمدرضا مامقانی، مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، اول، ۱۴۱۱ق.
- من لا یحضره الفقیه، ابی جعفر الصدوق محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، تحقیق: سید حسن موسوی خراسانی، بیروت: دارصعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.